



نادر شاه

- ۲ -

شورش گاه علوم عالی و محاسنات فرنگی
خطرات خان جی

چنانکه در شماره پیشین دیده ایم در آنحال که آتش ناامنی و اغتشاش و شورش در سرتاسر کشور پهنای ایران زبانه میکشید و طوایف لژی داغستان نیز برای طغیان پرداخته ای آماده میشدند روسیه که نعمت راهنمایی پطر کبیر بذروه قدرت و عظمت رسیده بود استقلال ایران را سخت تهدید میکرد یکی از عمال معروف روسی بنام ارتمی ولینسکی (Artemii Volynski) بریاست هیئتی که در ظاهر هدف بازرگانی داشت وارد اصفهان شد و پس از کسب اطلاعات دقیق و موثق در باره ایران بروسیه بازگشت و به پطر کبیر اطمینان داد که ایران بسرعت فراوان در سرآشیمی سقوط پیش میرود و هرگاه پادشاه دیگری بجای شاه سلطانه حسین زمام امور را بدست نگیرد اضمحلال ایران مسلم خواهد بود. با آنکه پطر در آن موقع (۱۷۱۸-۱۷۱۷ میلادی) گرفتار جنگهای شمال

بود و نمیتوانست از اوضاع ایران استفاده فوری نماید، زمینه را برای حملات آینده خود به ایران فراهم ساخت و فوراً بداغستان و گرجستان قاصدانی فرستاد و طوایف لهن دو ایالت را برای همکاری در اجرای نقشه ای که برضد ایران طرح کرده بود باخود همراه ساخت.

ترکیه نیز با کنجکوی هرچه تمامتر جریان اوضاع ایران را تعقیب میکرد. در سال ۱۷۱۸ عهد نامه پاسا روویتز (Passarowitz) امضاء گردید و اگرچه ترکیه قسمت اعظم متصرفات اروپائی خویش را از دست داد، با اینهمه بادیدگان پروملی بطرف خاور متوجه گردید تا مگر با بدست آوردن اراضی جدید خسارات خود را در باختن جبران کند و بفکر آن افتاد که تحریکات قدیمی خود را در آذربایجان و گرجستان و شیروان تجدید نماید و برای آنکه اطلاعات موثقی درباره اوضاع ایران بدست آورد بیک کاردانی بنام دوری افسندی را بدربار ایران گسیل داشت بیک ترک در اواخر سال ۱۱۳۳ هجری (۱۷۲۰ میلادی) وارد تهران^(۱) شد و بمحض ورود مشاهده کرد که درباریان ایران بتصور اینکه وی برای درخواست واگذاری چند ایالت ایران بدولت عثمانی آمده است سخت دچار اضطراب و نگرانی شدند حضور (سمعون آورامف) Semeon Avramof کنسول روسیه در ایران نماینده ترکیه را وادار به پیش گرفتن روش احتیاط آمیزی نمود. دوری افسندی پس از سه ماه مطالعه دقیق در ایران به قسطنطنیه بازگشت و بدولت عثمانی گزارش داد که اگرچه ایران کشوری مترقی و متمدن است با اینهمه سرعت و بیوزوال میروند زیرا حکومت لایق وزمامداران دلسوز و از خود گذشته ندارد.

پس از حرکت نماینده عثمانی از تهران اوضاع ایران بیش از پیش وخیم گردید زیرا فتحعلیخان داغستانی (اعتماد الدوله) که یکی از وزیران با تدبیر شاه بود بر اثر توطئه بدخواهان و دشمنانش از مقام خویش منفصل گردید و بجهنم افتاد و چشماش بدست درخیمان کنده شد و لطف علیخان پسر برادرش نیز که فرماندهای لایق بود معزول گردید و قوایش متفرق شدند و بدینطریق تنها پشتیمان قابل اعتماد تاجو تخت صفوی نیز از میان رفت.

۱- تهران در عهد صنویه مرکز یکی از بادگانههای مهم بوده است.

بدبختانه در این اثناء اوضاع خلیج فارس نیز روز بروز وخیم تر میشد. در سال ۱۱۳۰ (۱۷۱۷ میلادی) و یا اوائل ۱۱۳۱ (۱۷۱۸ میلادی) امام سلطان ابن سیف دوم (امام مستط) که ناوگان فیرومند داشت بجزایر بحرین لشکر کشید و بدون برخورد به اشکال زیادی این جزایر را مسخر ساخت البته اعراب عثمانی زیاد در بحرین نمادند لکن هنگام حرکت زمام امور بحرین را به شیخ جبار طاهری سپردند که اگر چه در ظاهر تبعه ایران بود در باطن استقلال تام داشت و بدستور دولت ضعیف اصفهان و قعی نمی نهاد.

در این اوان در داخل ایران نیز شعله های آتش اغتشاش و ناامنی و کشتار و طغیان هر روز بلندتر میشد. طوایف بلوچ مخصوصاً حرارت زیادی نشان میدادند و پیوسته به ایالات کرمان و لار حمله می بردند. در سال ۱۱۳۴ (۱۷۲۱ میلادی) ۴۰۰۰ تن سوار بلوچ به بندر عباس هجوم بردند و پس از آنکه این بندر را تبدیل بویرانهای نمودند سعی کردند بکارخانه های انگلیسی ها و کارخانهای فیز حمله برند لکن شکست سختی خوردند و تلفات سنگینی بر آنها وارد آمد.

در سال ۱۱۳۳ هجری (۱۷۲۰ میلادی) نیز لرستان و کردستان دستخوش طغیانهای خانه براندازی گردید. در همان سال ملک محمود سیستانی حاکم تون واقع در شمال خاوری ایران علم طغیان برافراشت و بعنوان اینکه بازمانده دردمان صفاری است مدعی تاج و تخت ایران گردید.

در تابستان ۱۱۳۴ هجری (۱۷۲۱ میلادی) اهالی شیروان که بیشتر سنی بودند بسر کردگی حاجی ها و بر ضد دولت علناً شورش کردند و بعداً طوایف فیرومند داغستان نیز بدانها پیوستند و نیروی مرکب از ۱۵۰۰۰ تن تشکیل دادند و به سه خالی حمله مدهشی بردند و قریب ۴۰۰۰ تن از شهومیانرا از دم تیغ گذراندند و سپس شهر را کاملاً تاراج کردند. برخی از بازار گانان روسی که در شهر مذکور سکونت داشتند بزحمت از غائله جان بدر بردند لکن در حدود چند میلیون ریال بآنها خسارت وارد آمد. ولینسکی (Volynski) که در آن هنگام حاکم هشترخان بود جریان اوضاع را به پطر کبیر گزارش داد از بخت بد ایران در همین موقع (اوت ۱۷۲۱ میلادی) عهدنامه نیستادت (Nystadt) بامضاء رسید و بموجب

آن جنگی که مدت چند سال بین روسیه و سوئد ادامه داشت پایان یافت و پطر
 کبیر برای شروع باجرای نقشه های خود در جنوب خاوری کاملاً آماده گردید .
 به محض اینکه غائله شیروان آغاز شد دولت عثمانی شروع با استفاده از فرصت نمود
 و نه تنها با تمام قوای خود از حاجی داود پیشرو شورشیان سنی پشتیبانی کرد
 بلکه رسماً وی را بعنوان خان ایالت شیروان شناخت .

بدین طریق در اواخر عهد شاه سلطان حسین چه در داخل و چه در خارج ایران
 اوضاع به منتهی درجه وخامت رسیده بود و تنها نکته ای که مبهم مینمود آن بود
 که طوفان سخت از کدام سمت آغاز خواهد شد ؟ این نکته نیز بیدرنک
 روشن شد .



[Faint, illegible text visible through the paper from the reverse side of the page.]